

صفهان زبا



نماینده ولی فقیه در دیدار با شهردار اصفهان:
پروژه های اجرا شده توسط
مدیریت شهری چشم گیر است

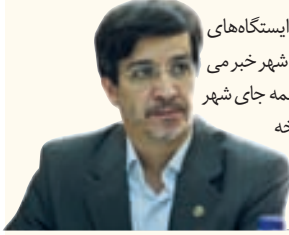
خبر / ۴

به همت مدیریت شهری و در راستای ارتقا فرهنگ مطالعه و کتابخوانی؛

چهارمین نمایشگاه «یار مهربان» افتتاح شد

خبر / ۴

دکتر سقائیان نژاد، شهردار اصفهان:
توسعه حمل و نقل عمومی اولویت اول مدیریت شهری اصفهان است



شهردار اصفهان با تاکید بر اینکه توسعه و تجهیز سیستم های حمل و نقل عمومی در اصفهان به یکی از اولویت های اصلی تبدیل شده است عنوان می کند: در سال ۹۱، ناوگان اتوبوسرانی شهر رشد ۲۵ درصدی داشته و سهم آن در سفرهای درون شهری ۳۰ درصد افزایش پیدا کرده، همچنین ناوگان تاکسیرانی با ۵۱ درصد رشد سهم ۲۵ درصدی در حمل و نقل درون شهری به دست آورده است. دکتر

در صورت ادامه رکود در بازار مسکن؛

قیمت مسکن کاهش می یابد

اقتصاد / ۶

شورا / ۳

رئیس کمیسیون فرهنگی اجتماعی

شورای اسلامی شهر:

چشم انداز شورا
رسیدن به مدیریت
متمرکز است

اقتصاد و صنعت / ۶

آغاز بررسی سناریوهای افزایش قیمت گازوئیل؛

بنزین

فعالان گران نمی شود

ورزش / ۱۱

شرایط ذوب آهن در سه هفته مانده

به پایان لیگ برتر

کابوس سقوط،

هدف پلی آف،

رویای بقا

شهر وندی / ۱۱

به کجا چنین شتابان؛

رضایت مشتری به

کیفیت کالا است

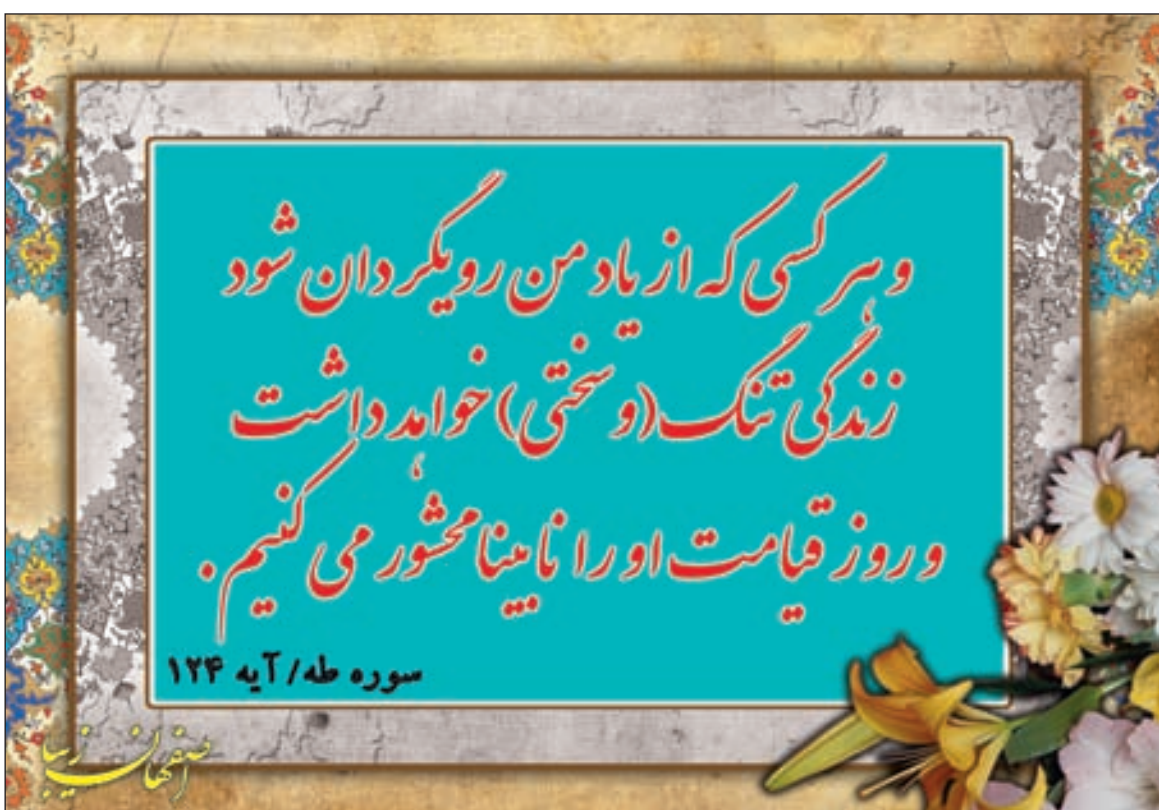
یا به لامپ بیشتر؟!



خبر / ۴

چشم اصفهان به جمال زاینده رود روشن شد

عکس: سیدعلی میرزا



معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری اصفهان برگزار می کند:
با همکاری شرکت نمایشگاه های بین المللی استان اصفهان

چهارمین نمایشگاه یار مهربان

اهدای کتاب و لوازم ورزشی به مدارس شهر اصفهان

زمان: ۱۹ الی ۲۳ فروردین ماه ۱۳۹۲ ساعات بازدید: ۸ الی ۱۶
مکان: پل تاریخی شهرستان - نمایشگاه بین المللی استان اصفهان - سالن نقش جهان

شهررداری اصفهان

تقویم‌ها امسال به تاریخ اصلی برگشت

فرهنگ سالروز شهادت سید مرتضی آوینی در تقویم ۹۲ به همان تاریخ واقعی آن، ۲۰ فروردین برگشت. در تقویم‌های سال گذشته شهادت سیدشهبیدان اهل قلم که روز هنر نیز نام گرفته است، ۲۱ فروردین ماه درج شده بودکه این جابه‌جایی واکنش‌هایی را به همراه داشت. کوثر آوینی فرزند این شهید درباره این جابه‌جایی به ایسنا گفت: دلایلش را باید از کسانی پرسید که این تغییر را انجام داده‌اند. ما فقط حیرت کردیم. فکر می‌کنم مسوولین مربوط تصور می‌کنند مناسبت‌های تقویمی مثل قطعات پازل است که می‌شود آن‌ها را یک جوری چیده که متناسب و جالب به نظر برسند! سید محمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز تنها به گفتن این جمله بسنده کرد که «باید حرف‌های خانواده ایشان هم شنیده شود.»

روایت متفاوت و جذاب همسر نادر ابراهیمی از او؛

برای اهل کتاب می نوشت نه اهل قلم

دوازده فروردین سالروز تولد نادر ابراهیم بود. سایت شهرستان ادب به همین بهانه گفت‌وگویی با همسر وی انجام داد که خلاصه‌آن را در زیر می‌خوانید.

■ تا وقتی کشش داشت می‌نوشت
نادر اعتقاد داشت که می‌توان با برنامه‌ریزی، هم به زندگی رسید و هم به کار. همیشه می‌گفت وقت هست، ولی ما هلدرش می‌دهیم. اگر برنامه‌ریزی داشته باشیم هم به کار می‌رسیم و هم به زندگی. گاهی به شوخی می‌گفت ای کاش ۲۴ ساعت، ۲۸ ساعت تمام بودن من برای کارهایم زمان کم نمی‌آورد. شب که همه می‌خوابیدیم نادر پشت میزش می‌نشست و تا جایی که می‌توانست و کشش داشت و تا وقتی که ذهنش مایل بود که بنویسد، کار می‌کرد. ممکن بود تا همان ۴ و ۵ صبح کار کند و بعد از پشت میز بلند شود و برود بیاده‌روی و یا اینکه ممکن بود یکی دوساعت فرصت استراحت پیدا کند.

■ بسیاری از اعلامیه‌ها را او می‌نوشت
نادر با اینکه در پیشبرد انقلاب دخالت داشت، در مبارزات شرکت داشت و سهیم بود، بسیاری از اعلامیه‌ها را او می‌نوشت که خیلی‌هایش هم معروف شده، اما در صدر انقلاب نمی‌دانستند یا نادر چه‌کنندو جایگاه او کجاست، چون در آن میان بودند کسانی که شناخت دقیقی از نادر نداشتند.

هیچ‌وقت در سرتاسر عمرش کار دولتی قبول نکرد. اگر هم با یک‌دولت یا وزارتخانه یا تلویزیون کار می‌کرد قراردادی بود. برای اینکه بتواند هر لحظه اراده کند بیاید بیرون و هیچ بدهی و طلبکاری نداشته باشد.

■ روشنفکران در مورد نادر سکوت کردند
نادر در پایان همین آتش بدون دود، گفته است من برای اهل کتاب می‌نویسم نه اهل قلم. اهل قلم هیچ‌وقت من را قبول نداشتند و چه خوب که قبول نداشتند. تقریباً در مورد آثار نادر چیزی نوشته‌اند. نه در دانش و نه در تاییدش. نادر گفته بود من برای اهل کتاب می‌نویسم و نه اهل قلم. به اهل قلم کاری ندم و می‌بیند که اهل کتاب چه زیبا و مقتدر، پاسخش را می‌دهند: چندین اثر او را اکثرًا حفظ هستند و جمله‌های آثارش در بین مردم، جاری است.

■ با صدای آمریکا همکاری نکردیم
یک خاطره در مورد کتاب «مردی در تبعید ابدی» برای شما می‌گویم. چندسال پیش که نادر هنوز در قید حیات بود، تلفنی به من شد و آقایی گفت من از

اظهار نظر شمقدری درباره نمایش فیلم فرهادی در ایران

سینما
رئیس سازمان سینمایی درباره اکران فیلم جدیداصغر فرهادی در ایران گفت: اگر تصاویر و موضوع این فیلم با موازین جمهوری اسلامی هماهنگ باشد، برای اکران، مشکلی نخواهد داشت. جواد شمقدری در پی اعلام علی‌سرتیبی مبنی بر اکران فیلم «گذشته» در ایران در گفت‌وگو با ایسنا، گفت: با این فیلم هم مانند آثار دیگر بر خورد خواهد شد و باید شورای پروانه نمایش آن را ببیند و نظر بدهد. مدیرعامل فیلمیران گفت: در حال مذاکره برای اکران هم‌زمان فیلم «گذشته» در ایران هستیم و امیدواریم بتوانیم در خردادماه اکران آخرین ساخته اصغر فرهادی را با بازیونیس فارسی داشته باشیم. وی ادامه داد: قرار است نسخه‌ای از این فیلم، هفته‌آینده برای بازیبنی به اداره کل نظارت و ارزشیابی ارسال شود.

روایت مردی که آشنایی با شهید آوینی زندگی‌اش را تغییر داد؛

از نوازندگی در مجالس عروسی تا ساخت موسیقی برای روایت فتح



■ انگار زنجیری مرابسته بودم
انجام دهم چون از آوینی یاد گرفته بودم که آن‌ها موسیقی نیست. خیلی سخت توانستم دوباره به حرف‌های آوینی برگردم و چیزی که کمکم کرد فیلم‌ها، جنگ و پیچه و پیسجی‌ها در منطقه بود. من در منطقه بودهام اما در این فیلم‌ها چیزهای دیگری می‌گرفتم. آن زمان هم که ۸۰ هزار تومان پول کمی نبود. به بهمانی‌ها و عروسی‌ها می‌رفتم و ساز می‌زد. نه اینکه دلم بخواهد، [اما] به‌هر حال، انگار زنجیری من را به این کار بسته بود.

نمی‌دانم چه شد ولی ناگهان از این‌رو به آن‌رو شدم. آنقدر حرف‌هایش برای من جذاب بودکه ناگهان از آن عالم هپروت بریدم؛ از همان لحظه‌ای که آوینی را دیدم. این شد که شبی ۸۰ هزار تومان را ول کردم و از همان شبی که آوینی را دیدم، رها کردم و پیش خودم گفتم؛ این همان کسی است که جای گم کرده‌ام را می‌داند و راهش را بلد است.

■ فکر می‌کردم چیزی مثل طلا کشف کرده‌ام
گفتم ببین من از هیچ‌کدام از حرف‌های تو سر در نمی‌آورم ولی به این دستگاه‌ها واردم، تو نشین کنار من و یگو چطور بزنم!

وقتی آمدم روایت فتح، مایه ۲۸ هزار تومان به من حقوق می‌دادند که ۲۲ هزار تومان آن بابت کرایه‌خانه می‌رفت. اتفاقاً با همان پول ازدواج کردم یعنی با اولین حقوق. با این حال فکر می‌کردم چیزی مثل طلا کشف کرده‌ام؛ چیزی که نه می‌توانستند از من بزدند و نه اینکه من می‌توانستم آن را از دست بدهم یا به کسی ببخشم.

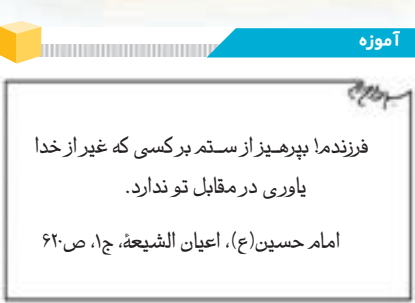
■ می‌گفت موسیقی در ذات انسان است
می‌گفت موسیقی در ذات انسان است. اگر انسان بتواند به شیطان غلبه کند، هرکاری که انجام می‌دهد واقعی است. حالا اگر این شیطان در نفس تو رخنه کرده باشد، اگر بهترین هنرمند هم باشی، قطعاً موسیقی‌ای که می‌سازی شیطانی است و کاری که می‌کنی، واقعی نیست چون حس تووو وجود تو در اختیار شیطان است و این برای من الگو شده بود. می‌گفت موسیقی آن الحانی است که در بهشت است. صدای حضرت داوود است، آن موسیقی است که شاید ربط خیلی ظریف و یا نه ضعیفی با این موسیقی است که شاید ربط خیلی ظریف و یا نه ضعیفی با این موسیقی داشته باشد. اصلاً این موسیقی، موسیقی، حساب نمی‌شود.

■ یکسال مانده بود به شهادت آوینی
طالب‌بزراده آن زمان داشت فیلم «خنجر و شقایق» اش را تدوین می‌کرد. مسئله، موسیقی متن فیلم «خنجر و شقایق» بود. گفتم مشکل چیست؟ گفتند ما می‌خواهیم این قطعه را بزنیم. گفتم باشد و دستگاه راه‌انداختم. یک قطعه از موسیقی‌اش را زد. دیدیم طالب‌بزراده حالش تغییر کرد. گفت تو خودت می‌توانی این قطعه را بزنی؟ با کسانی که اینجا روی موسیقی کار می‌کردند، از دیروز تا حالا کلی کار کرده‌ام ولی هیچ چیزی نزنده‌اند. اما الان شما خیلی خوب می‌زنی. گفتم می‌توانم و موسیقی متن فیلم را در عرض دوسه هفته‌ساختیم و تمام شد.

بعد از این فیلم بود که طالب‌بزراده من را به «روایت فتح» معرفی کرد. فکر می‌کنم تقریباًسال ۷۱-۷۰ بود؛ تقریباً یک‌سال پیش از شهادت آوینی.

مصر توافق نامه ی گردشگری با ایران را نقض کرد

گردشگری
دولت مصر بر خلاف توافق نامه گردشگری دو کشور، طی بیانیه‌ای تصمیم گرفته است سفر ایرانی‌ها را به کشورش تا اواخر خردادماه متوقف کند. در توافق نامه گردشگری ایران و مصر که اواخر سال گذشته به‌دنبال سفر وزیر گردشگری مصر به ایران امضا شد، هیچ بندی درباره تعیین زمانی محدود برای اجرای تورهای دو طرف وجود ندارد. با این حال وزارت گردشگری مصر پس از آنکه نخستین تور ایرانی به مقصد این کشور اجرا شد و اعتراض‌هایی از سوی سلفی‌ها صورت گرفت، به‌طوری که دامنه این اعتراض‌ها به خانه حافظ منافع ایران در مصر هم کشیده شد، تصمیم گرفته است تا نیمه‌ی ماه ژوئن (اواخر خردادماه) به تورهای گردشگری ایرانی اجازه‌ی ورود ندهد.



پروانگی
فرزندما! بپهریز از ستمه بر کسی که غیر از خدا یآوری در مقابل تو ندارد.

امام حسین(ع)، اعیان الشیعہ، ج۱، ص۶۲

پروانگی
فرزندما! بپهریز از ستمه بر کسی که غیر از خدا یآوری در مقابل تو ندارد.

پروانگی
فرزندما! بپهریز از ستمه بر کسی که غیر از خدا یآوری در مقابل تو ندارد.

پروانگی
فرزندما! بپهریز از ستمه بر کسی که غیر از خدا یآوری در مقابل تو ندارد.

پروانگی
فرزندما! بپهریز از ستمه بر کسی که غیر از خدا یآوری در مقابل تو ندارد.

پروانگی
فرزندما! بپهریز از ستمه بر کسی که غیر از خدا یآوری در مقابل تو ندارد.

پروانگی
فرزندما! بپهریز از ستمه بر کسی که غیر از خدا یآوری در مقابل تو ندارد.

پروانگی
فرزندما! بپهریز از ستمه بر کسی که غیر از خدا یآوری در مقابل تو ندارد.

پروانگی
فرزندما! بپهریز از ستمه بر کسی که غیر از خدا یآوری در مقابل تو ندارد.

پروانگی
فرزندما! بپهریز از ستمه بر کسی که غیر از خدا یآوری در مقابل تو ندارد.

پروانگی
فرزندما! بپهریز از ستمه بر کسی که غیر از خدا یآوری در مقابل تو ندارد.

پروانگی
فرزندما! بپهریز از ستمه بر کسی که غیر از خدا یآوری در مقابل تو ندارد.

پروانگی
فرزندما! بپهریز از ستمه بر کسی که غیر از خدا یآوری در مقابل تو ندارد.

پروانگی
فرزندما! بپهریز از ستمه بر کسی که غیر از خدا یآوری در مقابل تو ندارد.

پروانگی
فرزندما! بپهریز از ستمه بر کسی که غیر از خدا یآوری در مقابل تو ندارد.

دستخط

*هزارند مهرب ترمن بر زبان خوش را
لزمیان عشاق بر بزم گزیند وهم آنمزد که
گره کور دنیا را به معجز عشق رنگ میزد
سید قاسمی آوینی القادسی*

۲۰ درصد از فیلمبرداری پروژه سینمایی «لاله» پایان یافت

سینما
فیلمبرداری فیلم سینمایی لاله به کارگردانی اسماعیل نیک نژاد در تهران ادامه دارد. به گزارش ایرنا، فیلمبرداری پروژه سینمایی لاله که اواخر اسفندماه در تهران آغاز شده، همچنان ادامه دارد. اکنون بخش‌های مربوط به ساکنس های منزل لاله شخصیت اول اثر در محلی واقع در خیابان مقدس اردبیلی ادامه دارد.
سارا امیری، ایرج نورزی، آریتا حاجیان، لیلا اوتادی از بازیگرانی هستند که در این بخش جلوی دوربین تورج منصوری فیلمبردار این فیلم می‌روند.
فیلمبرداری ۲۰ درصد از فیلم لاله به پایان رسیده و دست‌اندرکاران مرکزگسترش سینمای مستند به دنبال تهیه ابزار جدید به منظور فیلمبرداری بخش‌های مسابقه این اثر هستند.

تصویربرداری سریال «هوش سیاه ۲»

در استانبول به پایان رسید

سینما
تصویربرداری مجموعه تلویزیونی هوش سیاه ۲ در استانبول به پایان رسید و تدوین این مجموعه در دستور کار قرار گرفت.
به گزارش ایرنا، مسعود آپررور کارگردان این مجموعه در این باره گفت: تصویربرداری فصل‌های خارج از کشور هوش سیاه ۲ پس از ۱۲ جلسه در شهر استانبول ترکیه به پایان رسید. آپررور گفت: تولید این مجموعه تلویزیونی پس از ۱۰ ماه به پایان رسید و انتظار می‌رود که در زمان پخش مانند سری نخست آن با استقبال مخاطبان مواجه شود.
گفته این کارگردان تلویزیونی، هوش سیاه ۲ در ۲۶ قسمت طراحی شده اما امکان دارد در مرحله تدوین به ۳۰ قسمت افزایش یابد. هوش سیاه ۲ در ۱۲ لوکیشن اصلی ۹۰ لوکیشن فرعی مقابل دوربین رفت.

فرهنگ

عوض مجرم تشخصی صلحت نظام ادامه داد: قله‌نشینی در مسائل هنری به عنوان یک جریان هدایت‌کننده همیشه صاحب نقش بوده و مشکل ما در هنر انقلاب اسلامی این است که فاقد این قله‌ها هستیم و یا قله‌ها را نشان نکرده‌ایم. صفارهرندی تصریح کرد: یکی از دلایل دراززمان ما در دوران سی و چندساله به این علت است که نشانه‌ها را در نظر نگرفته‌ایم. وی خاطر نشان کرد: در منطق نامگذاری سالروز شهادت شهید آوینی با عنوان روز هنر انقلاب اسلامی این موضوع مطرح شد که این روز، تشریفاتی نیست، بلکه راهبر، محرک و جریان‌ساز است. وی بیان کرد: آوینی می‌خواست راه را نشان دهد و به هنرمندان در حال پرسه زدن در بیراهه بگوید که باید یک بارگشت به فرهنگ و تاریخ خودتان داشته باشید.

«سلام بچه های عزیزم»

عید خوش گذشت؟ حتماً حسابی تلویزیون تماشا کردید و مهمانی رفتید. راستی چقدر عیدی گرفتید؟ فکر کردید با عیدی‌هاتون چه کار کنید؟ دوست کوچولوی من دیروز تمام عیدی‌هاش را از کیفش ریخته بود بیرون و داشت می‌شمرد. مثل اینکه زیاد هم بود. ولی نمی‌دونست با آنها چه کار کند. بهش گفتم پس انداز کن. گفت: پس انداز یعنی چه؟ گفتم: یعنی اینکه پولهایت را بگذار توی قلک تا وقتی که خواستی چیزی بخری یا اینکه هدیه‌ای برای مامان و بابا یا دوستت بخری از آن استفاده کنی. دوستم دیگر چیزی نگفت. راستی بچه‌ها شما با عیدی‌هاتون چه کار می‌کنید؟ اگه خیلی زیاده به مامان و بابا بگی یک حساب توی بانک براتون باز کنند. این یعنی پس‌انداز درست و حسابی.



دعا

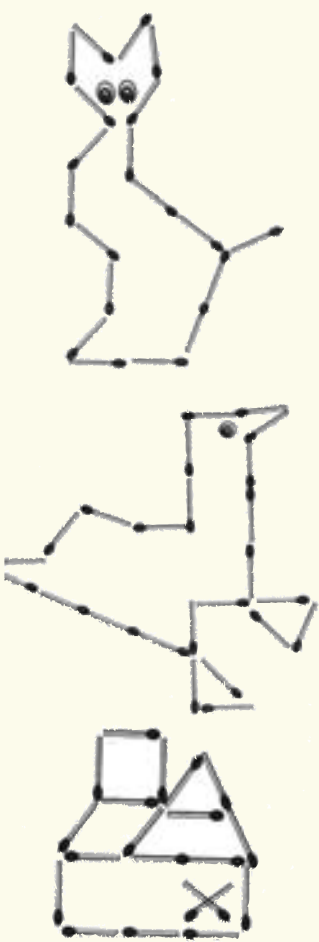


«یا قادر ای توانا»

این هفته، اولین هفته‌ای که به مدرسه می‌رم. مامانم توی عید خیلی باهام صحبت کرد. گفت اگه بخوای موفق باشی باید برنامه‌ریزی داشته باشی، باید تنبلی را کنار بگذاری و کمی کتاب بخونی، تازه گفت باید ورزش هم بکنی که همیشه سلامت باشی. من یک دفترچه خریدم و کارهایی که باید توی این سال بکنم داخلش نوشتم.

خدای خوب و مهربون، تو که می‌تونی به بچه‌ها کمک کنی که موفق شوند و وقتی که بزرگ شدند یک انسان توانا باشند به من هم کمک کن تا هم بتونم خوب ورزش کنم و هم بتونم خوب درس بخونم. تازه می‌خوام نقاشی را هم خوب یاد بگیرم، آخه می‌خوام مامانم خوشحال بشه و به من افتخار کنه.

بازی با پوب کبریت



رنگ آمیزی



لباس درخت آلبالو

★ سمیه لندی
درخت آلبالو خواب بود. یکدفعه از خواب بیدار شد و دید که زیرپایش چمن‌ها سبز شده اند. درخت کاج و سرو هم که لباس سبز همیشگی‌شان سبزتر شده بود. گل‌های کوچولو هم لباس صورتی و سفید و بنفش و یاسی و زرد پوشیده بودند. درخت آلبالو لباس نداشت. درخت آلبالو گریه کرد و به زمین گفت: «من لباس می‌خوام لباس زیبا» زمین گفت: «باید به ابر بگویی تا روی سرت باران ببارد.» درخت آلبالو به ابر گفت: «به من باران بده» ابر بالای سر او از خواب بیدار شد خودش را زد به ابر کنارش. یکدفعه دو تا ابر دعویاشان شد و جرقه زدند و از بین آنها باران چکید روی سر درخت آلبالو ابرها دنبال هم دویدند و رفتند آن طرف آسمان. خورشید خانم ذراتش را به درخت آلبالو پاشید. یکدفعه درخت آلبالو روئید. آلبالو توی آب که نگاه کرد دید یک لباس سفید عروس پر از گل‌های صورتی به شاخه‌هایش چسبیده است. درخت آلبالو خندید و به درخت کاج و سرو چشمک زد.



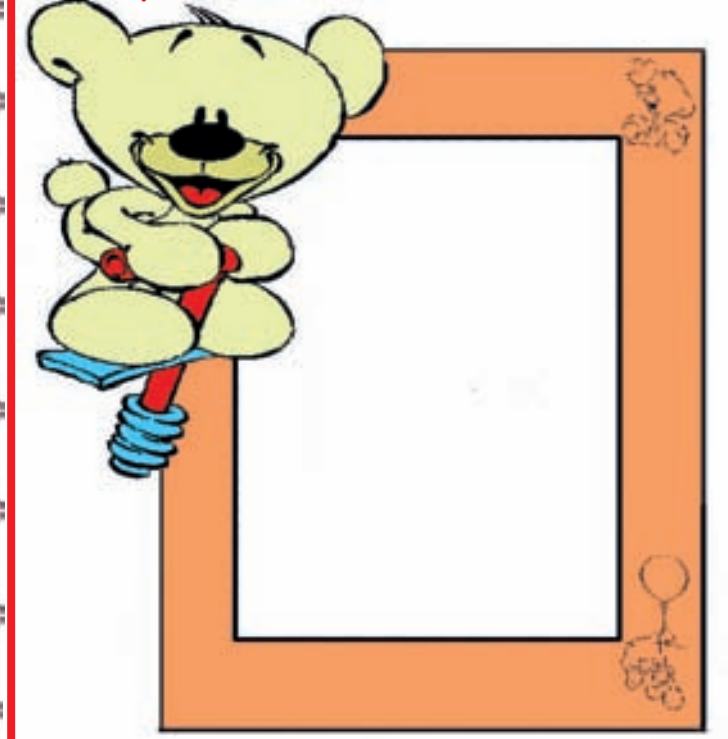
بهار طاقت نداره، آقا نیاد دوباره

بهار خانوم دوباره اومد به این سیاره لباس اون چین چینه بین چه شکلی داره سبز و سفید و آبی لیمویی و سرخایی قرمز آلبالویی بهار به این هلوئی وقتی می‌رسه از راه با خنده و پا قه قاه دل‌های ما شاد همیشه زمین‌ها آباد می‌شه

درخت‌های مهربون شکوفه‌های خندون دعا کنید یکصدرا برای ظهور آقا مهدی صاحب‌زمان امام ما شیعیان ای کاش بیاد با بهار دل‌ها شده بی قرار



بچه های کلم در این قاب هم می‌تونید نقاشی بکشید و هم می‌تونید عکس یادگاری عید نوروز ۹۴ را پوسبانید



پسرخاله فندق و بوته خار

★ مریم بهزاد نژاد
پسرخاله فندق در شهر ریزه میزه زندگی می‌کرد. او فندقی چاق و تپلو بود که هر روز با بلوز و شلوار فندقی در کوچه‌ها قل می‌خورد و می‌رفت. یک روز، پسرخاله بوته‌ی کوچک خاری را دید که دم در خانه اش در آمده بود. پسرخاله با خودش گفت: «حالا ولش کن. بعد که اومدم خار را می‌کنم.» چند روز بعد دوباره چشم پسرخاله فندق به بوته خار افتاد که کمی بزرگ تر شده بود. پسرخاله ی کله ی گرد فندقی اش را خاراند و گفت: «حالا که حالش را ندارم. فردا بوته ی خار را می‌برم! اما روزها گذشت.» بوته کوچک خار تبدیل به بوته ی بزرگی شد و شلوار هرکسی که از جلوی خانه فندقی رد می‌شد، به آن می‌گرفت و خرتی پاره می‌شد. یا خار در چشم و چار و بدنش فرو می‌رفت و مثل چلوصافی سوراخ سوراخ می‌شد. مردم شهر ریزه میزه به پسرخاله اعتراض کردند و گفتند باید زودتر بوته ی خار را در بیاری! اما



عزیزم می‌تونی سر قلاب را به کرم کوچولو پرسونی؟



